

ترتیب

روزنامه آزار بخشی

تجربیت و یکم شهر صفر ۱۲۲۲ هجری

صاحب استیاد کار الملک و پسر پسر پسر

یت دهم آوریل ماه فرنی ۱۶۰۰ میلادی

قیمت در دارالخلافه طهران نمره سیصد و پنجاه و هشتم

در سایر ولایات داخله سیصد و هزار دینار در تمام روسیه چهار دینار در تمام هندوستان هفت دینار در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر و فرنگ

در دارالخلافه طهران طبع شود جریده علمی و ادبی و یک سال هشتم قیمت طبع و نشر اگر گزین شود تخفیف قیمت دارد

(بقیه تاریخ پرت آر تور)

(شرایط تسلیم شدن پرت آر تور)

چنانچه پیش گفته شد لشکریان روس پس بایزده شرط پرت آر تور تسلیم عساکر را بپایان نمودند یعنی شروط منظور نوشته و امضا شد و کار بانجام رسید و صورت معاهده و شرایط از این قرار است

شروط اول تمام سپه بازمانده و ملاحان روسی از دواطلب و غیره و مأمورین حکومتی پرت آر تور و قلاع و بندرگاه و بدون استثنای احدی اسیر خواهند بود

شروط دوم تمام قلاع و پستگاهها و کشتیهای جنگی و غیر جنگی بزرگ و کوچک و کل اسلحه و تفرخانه و جمیع اسب و اسباب و مجموع عمارات حکومتی و اشیاء متعلقه بکومت بقشون را بپایان تسلیم شود

شروط سیم بموجب فصل اول و طبعیه ان بطور آن قلاع و پستگاههای ایتوشان و شون تروشان و تواتر و شان و خط جنوبی قلاع مزبور را تا ظهور در سیم ماه ژانویه روسها تخلیه نمایند

مستحقین آن اسیر شوند و در اسپه با حصون و کور را تصرف کنند شرط چهارم هرگاه از تاریخ امضا بعد سپه بازمانده و ملاحان روسی اشیائی را که در فصل دوم ذکر شده خراب کنند یا بقیه در آن محل آوند این معاهده باطل خواهد شد و لشکریان را بپایان بخارند که هر چه بخواهند بکشند

شروط پنجم عساکر نظامی و بحری روس پس باید فدرستی از برج و باره و استحکامات پرت آر تور و محل هر یک بترقی دهند و نقشه از چنانکه در زیر اکتفای معینه دهن کرده و همچنین از بنیائی که زیر آب کار گذاشته و هر چه اشیاء خطرناک در جای دفن نموده پس نیز فدرستی از وضع و ترتیب عمارات بحری و سایر بازمانده پرت آر تور و صورت اشیاء صاحب منصبان و درجه و ترتیب نظامی آنها اینها فدرستی از اسامی این جنگی و غیر جنگی و عده و علمیات آن کشتیها و صورتی از کشتیها پرت آر تور و عده نفوس آن از مرد و زن و نب و عده آنها بعد از پانی داده شود

شروط ششم سلاح از هر میل که باشد حتی اسلحه که شخص با خود

(بقیه شرح حال و اسبکتن)

چون بن و اسبکتن بپایان رسید و شدی بکمال حاصل کرده جوانی توانمند و با قوت و بلند بالا و دارای صفات حسن از وقار و ثبات و غیره با بود و دوستی برادرش در همان وقت او را مردی حسابی میزد و در رئیس خانواد و زوج برادرش فتای محبت را با و پیدا کرده ابایی نداشتیم آورد که هر چند نرسد خود را بکار اندازد یعنی با و اظهار نمود که نقشه منقضی از املاک و سیمه که دارد بردارد و اسبکتن بایل و غبستی تمام بقبول این خدمت و انجام آن پرداخت و مدت سال اوقات تابان خویش را در دوره های رود پوتوماک مصروف این کار خست و خسته و جلوه آن اراضی شایسته را دید و از محنت و مظهرهای طبیعی آن لذت برد و زنجیر مشاکی خود را در کنار رودخانه و میان جنگلهای دست نخورده که درش و حرکت داد و شبها در کلبه ای محقر

نگاه میدارد و قورخانه و اسباب حرب و عمارات حکومتی و آنچه متعلق بحکومت است و تمام اسباب و کشتیا و آنچه در آن سخاوت باشد مکرما نیز شخصی باید بحال حالیه و اگذا ارشود تا آنکه وکلای روسی و ژاپنی ترتیب تسلیم کردن و گرفتن آن جلد را بدهند

شرط هشتم عساکر ژاپنی بلا حطه شجاعت و جلا دلی که از مقابل جنگیان روس پس دیده آنها را محترم خواهند داشت و اجازه میدهند که صاحب منصبان نظامی و بحری و مأمورین حکومتی شمشیر خود را از کمر باز نکنند و حوائج خسیلی لازم را با خود بردارند و نگاهدارند

صاحب منصبان نظامی و بحری و مأمورین دولتی و داد و طلبان اگر قول دهند و قلمزخم شوند که تا آخر جنگ دیگر در اعمال حربیه داخل نگردند و داخل نمایند و کاری بر ضد منفعت دولت ژاپن نکنند عساکر ژاپنی اجازه میدهند که آنها بوطن خود باز گردند و هر یک از صاحب منصبان حق دارند که کیفیت نوکر با خود همراه بردارند در صورتی که آن نوکران التزام نامه را امضا نمایند

شرط هشتم صاحب منصبان خارج از فوج روسی از نظامی و بحری و داد و طلب باید لباسهای رسمی خود را بپوشند و خیام و مایملک خود بردارند و در تحت فرمان صاحب منصب خویش در محلی که ژاپن بخواهد معین خواهند کرد حاضر شوند و جزئیات لازم این فصل را مأمورین ژاپنی معین خواهند کرد

شرط نهم عملیات حفظ اقمعه و مریضخانه روسی و محاسین و قورخانه های نظامی و بحری روسی را باید ژاپن بخواهد نگاهدارند

تا زمانی که خدمت آنها برای مرضی و محسوس لازم است و در خدمت باید بدستور عمل روسای مریضخانه ژاپنی کار کنند

شرط دهم ترتیب سلوک و رفتار با سکنه پرت آر تور و تسلیم دفاتر و اسناد حکومتی و تجارتی و جزئیات دیگر که متبذ این معاهده نامه است باید حاضر شود و ضمیمه این معاهده گردد و آن ضمیمه هم حکم همین معاهده را خواهد داشت

شرط یازدهم از نماینده مذکور باید دو نسخه مرقوم و امضا شود یکی را روسها و آن دیگر را ژاپن بخواهد نگاهدارند و پس از امضا فوراً باید مطالب آن را معمول دارند

این بود صورت معاهده تسلیم پرت آر تور که وقایع نگار روز را از کپو پای تحت ژاپن ارسال داشته و در نامه های انگلیسی طبع کرده اند از تاریخ پرت آر تور علی العجله اینقدر بدست آمد و شاید که بعد از این توهم تحلیل آن بپردازم (اخلاص کیش احمد)

پوشیده نباشد که جنگ روس و ژاپن در نهمین ماه فوریه سال هزار و نصد و چهار میلادی مطابق بیت و یکم شریذی القعد هزار و سیصد و بیت یکم بحری شروع شد و در آن وقت مجموع قوای حربیه روس در پرت آر تور پنجاه و چهار هزار نفر بود باین تفصیل پیاپی و شش هزار نفر انگلیسیان توپخانه پانزده هزار نفر قشون بحری است هزار و چهار صد و سی و هفت نفر صاحب منصب و سرباز و باین مختلف سیصد نفر قزاق یکصد نفر

بعد از تسلیم شدن پرت آر تور در آن محل سیصد هزار و سیصد و پنجاه

و منازل کم و نیست دهتانی بسیار بلکه اغلب در صحرا و زیر آسمان منوچسید کاهی با سکنه بومی یکی دنیا که منتهی بکنار آهندی میگویند صحبت میکرد و داخل بازیهایی آنها میشد در هر حال پیش و در زشتی نگاه میگرداند چنانکه همین اعمال و زحمات و آشپختن را برای شغل لشکری و کارهای نظامی میدانند و استعدادهای و بنظر ظاهر معلوم گشته در نوزده سالگی آوازه لیاقت و قابلیت در ولایت دیرین پیچید و بنام گوشا رسید و در آنجا طوری بخت یافت ادا عطا رسید اگر دند که منصب یاوری و فسرمانی نظام آن ناحیه را با و دادند و دارای این منصب بودند آن وقت که میان کلنیهای معتمد است فرانسه و انگلیس در امر یکا نزاع در گرفت و او داخل در آن سواخ و وقایع گردید دولت فرانسه در شمال سواحل رود سن لران در بایچهائی که این رود از آنجا سرچشمه میگردد و خارج میشود کلنیها را بر کرده بود و آن پسندت را

و شش نفر در بیض و مجروح بود و بیت هزار و پانصد نفر سیرالم غیر از
صاحب منصبان منقص شده و سیزده هزار نفر کشته شده بودند
(کنوز العباد و رموز الشهادة)

و آن کتابی است مطبوع و مشهوری و ظهور بکرمی آتش طور و تاب نوره نور
آرایش زبان تازی و لغت مجازی شامل اسرار بلاغت و حاوی
اصناف براءت لفظی و تنسیر معانی و بیان بکلیه مجمع البحرین حکمت
و عرفان با سیاق و سلوبی اصلی و نظم و ترتیبی اسنی

برنج نرسیده برق حتی غذا
یجری مع الروح کما تجری
من ذنب الوشی علی وجه
دیباچه لیست من الشعر
کبریه اندیا قد اقبلت
تردونی رونما نغمه
ادکاتیم الفض غت الحیا
یخال فی اردیه العجبر
و مستف بلذ قدر آن حضرت حیل مطم هم فیل مقدم عالم فصل
و جامع اکل حیطه زاخرو صاحب آثار و الماثر سید پسند و بزرگوار
مؤید آقایی حاجی سیر از محمد رفیع بن علی صغیر بن محمد رفیع استبریری
القبای طبائی المدعو بنظام المسلمانه فله العالی و دام لطفه المتعالی بغینه
دانش بلکه دریای علم است و گوهر گرانمای حسم و جمال حال تربیت را
مکرر بزرگوار و صاف جلیله و مکارم اخلاقش آراسته ایم و بدعوی ارادت
بندگان حضرتش بر خاسته

اما کتاب مستطاب و المثل در رموز و اسرار شهادت حضرت سید
الشهداء علیه آلاف التحية و الثناء یعنی سبط و یقین است و باز در فصل
اواخرش در اجایات اصول دین مسین نگارنده سلم آن این

تالیف بنف را در عتبات عالیات زیور تمامی داده و این اوقات
در تبریز بجلد طبع محلی گشته بقول کاردانی یکی از آقایان عیالاً
در ایام ناخوشی با چاپ کتاب را برای سلامت بستگان نذر کرده و
مرادش را برکات این نامه نامی بر آورده لکن ادا می نکرده و
جمعی را برین منت فرموده گمراه استغاده پیاپی و از آن حقایق عیا
و بیایع فیض استغاضه نمایند احادیث ناثوره و اسناد معتبرش را
بدانند و روایات و حکایات معقول و منقول را برای استکمال نفس
و استغناء عقل بخوانند

طالبان آگاهی عموماً باید طول عمر حضرت مستطاب حاجی نظام اظهار دام
افضال را از درگاه احدیت مستکت کنند چه با ضعف پیری و پیری قوی
گوشت از درگاه اگر قوه و همه چیز را نکرده جزا فاضلت و نشر اخبار
آل رسول و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین و بنده ناچیز که با تحقیق
مدعی ارادت و بندگی است باید از همه کس بیشتر دعا گوشتا خوان باشد
و بعضی تشکر و استنسان بردارد و تشکر دریافت آن مصنفات نقیض
و مواهب سنی را ادا کند که بین الافسار ان باین عطیه مفتخر است و
از آن سرایه معتبر مالک گنج گهر و بادست نمی توانگر امید که روزی
چند باز بنایم و ازین دفتر نامی معرفت کرم رحمت فرمایند و بخوانیم
بلکه از چارچوب تنگ نادانی سیر و ن آنیم و خرد خام را بخته نایم
(تشکر و تذکر)

درین ایام که ابتدای سال هشتم روزنامه تربیت است دوستان
معظم و هواخواهان محترم این دایره محتررا از هر جانب حیات قلبی و مرامی

کانا و میگفتند و در جنوب هم مصبتهای رود می سیسی را تصرف شده و آن جمله را با هم پادشاه فرانس و لوزیان میگفتند و مقصود دولت فرانسه اینک در
ملک خود یعنی کانادا و لوزیان را بهم وصل کنند اما باین وضع و این طریق که ولایت باین دریاچه نامی بزرگ در رود می سیسی و این رود را تصرف
و دو ولایت کانادا و لوزیان بواسطه تصرف این ناحیه بهم متصل گردد و ناحیه یا ولایت مذکور بجله و با تاق و جلگه های وسیع داشت و بعضی قبایل بومی سیسی
بومی امریکا در آنجا ساکن بودند و فرانسویان در چند نقطه از نقاط این ساحل قراولی ساخته و قراول گذارشته لکن ولایت ویرانی بر تمام غربی
کوهرستان بارود می سیسی دعوی حق تعلق میکرد پس حکمران این ناحیه لازم دانست که پیغامی بصاحب منصبان فرانس و بک و بانها از جانب دولت انگلیس
اعلام و تکلیف کند که از خیال فستوحانی که در نظر دارند بختیستند و از آن ناحیه چشم پوشند و بدو زمانه سازند این پیغام و انجام این مرام پسند ان کا

باطنی خویش را ظاهر ساخته تقصیر بطایلیع و تصایر غریبا پس این
بی بضاعت در سم تنبیت با دارة تربیت ارسال فرستاده و بنده
سکین را از ایداع علی ما کان شمرند نموده اند خداوند همواره بر عتد
مجان با بعین نماید و منقرض لغز خوان داشتق مصیبتان نماید صاحبان
و کاه و هوش داند که آدمی فرستاده شود از راه گوش خاصه وقتی که
او را با دلیل پستایند و بران بر استحقاق این تائیل اقامه نمایند
از آنجا که یاران و برادران با به با قلب و لسان اندیشی کید و کین را
امید داریم بعضی نکرو استنان نگارنده ارادتمند قاعت فرستاده
و اگر عین تقریف و نگارش خود را درین اوراق نبینند مکرر نشود و
بر ضعف مودت بی اعتنائی نکنند آسال هم عتی عام دارد
هم سببی خاص که ناچارم حتی الامکان از نوشتن تقریف تن زخم و از چر
شامل تعریف و بنید ادره تربیت است صرف نظر کنم و تاکید و مبالغه را
گویم بحق هر دو فاسد کند که بر صدق و صفادین گفته چیزی نیست حیل
نمی نمایم و دشمن را با بازی نمیدهم تا چه رسد بدوست که هر چه هست او
حقت عام نهفته باشد اما سبب خاص این است که میخوایم درین سال
بجای بعضی از مشکلات سیاسی پردازیم و مخصوصاً از نمره بعد دست نگار
زیم زیرا که تا کنون حرف ما غالباً از صلاح و صلاح بوده و حال که فریاد
حق و نفع از گنبد و وار میگذرد و این مقام را از باب بلاغت کفایت
میکند بر است که از گفته ما بگویم و راهی ز فرستیم بگویم مکرر کار در دنیا
آید و نمی دکت را تو انگر نماید

اما قصیده و مستط و قطعه و غزل همه گس میشد اند که شعر در روزنامه

نوشتن موجب معین و دجی موجه میخواید یعنی غیر از دواعی معمولی تحریر
باید تا نگارنده را بخارش اشعار و ادوار داشته باشد اگر در نمره سیصد و پنجاه
هشتم قصیده لایق جوان بنده سال را نوشتیم از نمره اول سال ششم
بود و در این فستاح و حادثای ذات ملکوتی صفات علی حضرت قویست
شاه شاه معارف پناه مظفر الدین شاه اگر و اخافه که مصدر و اصل
کلام است واجب می نمود تا نیا در بنده ساگی بیک اساتید بنده و خت
شعر گفتن غریب باشد و حال که بنر سندان ایران بواسطه مشاغل مهملی
از تشویق و تأیید پسران سالار و مالکان فرخنده آثار محسوسم اند فلان
و خوش گروند که اسم ایشان در محافل بزرگ و مجالس اعلی مذکور میشود و
در روزایای محول گنام و طول نمایاند اما نوشتن شرح بنده دفعه اول
برای ادای حق گوینده ضرورت دارد و بار دوم جهت سببی معمول
میخواهد و گرنه اسباب مضمون میگرد و راستی که مطالعه کنندگان از
روزنامه توقع و ترقب حرفهای دیگر دارند و اشعار مدایح بنده را از
خبرهای منفی تازده می شمارند ولی این بنده خود بی نهایت ممنونم و بدین
و در مئون در موقع و بجا از فضل شاعر و مزایا و فواید و بیات سخن
خواهم گفت و حق بر یک را ادا خواهم کرد

(وکالت تربیت)

وکالت روزنامه تربیت برای آنکه خدمت مملکت و ملت را چیزی میداند
و در کار این نواحی را مفت انداخته است دارد در حقیقت و کلامی آن
جریده همان راهی را که نگارنده میسر و میروند و در مجاهدت و جرات
باین بنده طریق هدستی و مشارکت می سپارند غالباً از محرمین

بی خطر آسانی نبود بلکه قری و دشوار می نمود و اشپکنین میل خاطر در غبت طبع و ادطلب این کار صعب و باوریت با خطر کردید و عریضه بحکمران ولایت
و بر رینی نوشته در آن اظهار داشت و گفت من تاب توانی بقاعده و بسند قوی دارم و بیست و نهم از دعای تحمل مقتضای نخت غایم و گمان میکنم که مرا غم
و قوت قلب از احدی گسته نباشد و هر علی را که دیگران جرات اقدام نمایند من هم بتوانم بنایم باین اگر اما مکرر کنید که مقاصد شمار ابصار جنم صبا فرانه
تبلیغ کنم این خدمت را چنانکه دلخواه شماست انجام میدهم و خیال حکمران آسوده خواهد شد

درخواست و اشپکنین را حکمران ولایت و بر رینی پذیرفت و مشارایه مهم سپرد و اشپکنین بیایت در شدت سرمای زمستان بنقص و پنجاه کیلو
راه از میان کوهستان نخت و مهرانای صعب طی نماید تا بقبله کف فرستاده فرانسوی در آن اقامت داشت برسد مرد با بهمت تحمل این مشقت نمود و راه

نامی هستند و در زمره محققین سامی که خود طبعاً زیر بار این مشقت رفته اند
ترویج معارف کنند و تکمیل نواقص نمایند بعبارة اخرى دایه
قبول رنج فرموده و این در مانده را چند آنکه توانسته راحت نمود
و معذرت آن بزرگواران را با پسم وکیل در رسم وکالت نام نمیدیم
و نمی شناسیم شرکای محنت میخوانیم و شأن ایشان را اجل میدانیم
مثلاً در شیراز زحمت تربیت بار و دشواری جناب مستطاب ادیب
اریب دانشمند یگانه و سخن سرای منزه زانه میرزای اورنگ نوا ده
مرحوم وصال طیب الله مضجع میباشد و البته تا یکمتر ازین سلسله
جلید نمکین اینکار کند بنده را قدرت آن نیست که از دیگری در خواست
نماید و صریح عرض میکنم که هر یک از رجال این خانواده در درازنای
طهران باشند صاحب اختیار مطلق اداره تربیت خواهند بود و حالا
که در فارس میباشند اقل مطلب این است که اختیار روزنامه تربیت
در تمام آن مملکت با جناب مستطاب میرزای اورنگ دام افشا باشد
وکیل تربیت نیستند و مختار و مالک تربیت اند هر چه بپسند و هر چه نپسند
یعنی من از ایشان نه ایشان از من و اختصاص شخص میرزای اورنگ
برای شرف ملاقات است و گرنه جناب مستطاب معتمد میرزای حجت
دام علاه و سایر وصالین همه همین حالت را دارند
در سایر ممالک ایران هم دوستان محترم و باران محترم داریم که جمله
دارای جلالت و رفعت اند و اهل حجت و غیرت و انا و کامل عالم
و حاصل که از سماعی جمیده ایشان با را کمال استنان حاصل است
مثل جناب مستطاب علام فہام آقای امین الاسلام سلمه الله تعالی

در کرمان که از فضلاي جامع و نویسندگان با رع است دارای معقول
و منقول دانای منسوع و اصول و مانند جناب مستطاب میرزا محمد
رضای نامی معروف با کمال از عرفای روشن ضمیر و در هر دو آن
که اهل کشف و شهود است و با شرف و کرامت خود وجود و از قبیل
جناب جلالت عالی میرزا امیرعلی خان رئیس پتخانه کرمان
دام اجل الله که از خانواده های قدیم این ماست است و از نجای
باضافت گوهر پاک و سرشت عالی و خصال و خوبی فرخنده و متعالی
علاوه بر سران معظم که مستقیماً در کار تربیت مای میباشند صاحبان
مکرم نیستند و داریم که در ترویج این اوراق بذل کمر می نمایند و لهذا
مرحمت میفرمایند از جمله جناب مستطاب جهان دیده آگاه و کار دان
خیر خواه حاذق مجرب لایق و مذاب حاجی میرزا ابراهیم طیب الله
افشاره که پس از طی دوره کامل سیاحت و معرفت در فزون حل
اقامت انداخته مشغول خدمت ابائی وطن است و صاحب هر گونه
طول و متن و ما که از رنگ بضاعت از روی جمله شرمساریم امید آن
داریم که کردگار کریم و آفریننده ما آن نیکوکاران را بعد از
آبدی مستعد نماید و سواره توفیق را رفیق آنان فرماید سایر بخوا
خوانان و حامیان تربیت را نیز حفظ کند و دغدغه بخاطر ایشان را نهی
چه اگر میخواهیم همه را نام ببریم این در وقت نگذشت ذکر جمیل
دیگران هم انشاء الله در وقت و جای خود بیاید و طبیعت حساس احدی از
برادران را فراموش ننماید

(دالالت خیر)

مربور را پیوسته را گفت و رساندن را رساند و ثبوت بازگشت شد ولی در مراجعت مشکلات مضاعف گردید که بهر پاس تودر برف بود و دره های پر آب
منع حرکت می نمود و آخر الامر و اشکنجین مجبور شد بهر آنان و اسپه های خود را را ناکند و پیاده طی طریق نماید باری زورمند با عزم خرمین پشت و تنگ بست
تتائینی فقط با کف درستی زور باد آنرا راهی امن و بی معارض بلکه برای منسار از تعاقب بومیان و دستر از اذیت و ضرار ایشان میت و نه
و اشکنجین راه خود را در چکل گم کرد و دو چار بی زحمتا شد از جمله که درخواست از روی رود آید گانی که آب آن طغیان نموده و بحالت سیل بود و باخته پاره
عبور نماید بخانه آن تخته پاره را شکست و اشکنجین بطور بدی در رودخانه افتاد معذرت که تفتت بقطعه چوبی گشته با آب نود و خورد کرد تا با فرستادن خود مجبور بود که چوبی سید
آفتاب غروب کرد و در کمال شدت مسافر بیچاره در آن جواش را چنانکه داند صبح کرد و از خوشبختی بواسطه کمال بود و دست باد و در و خانه بخ کرد و مثل

علی‌حضرت پادشاه انگلستان از خاک فرانسه عبور میکردند ضمناً در پاریس
باجانب رئیس جمهوری طاقانی دوستانه که مطلقاً ظاهر داشت نمودند و گویند
دولت المان با موری برکش میفرستد که معاهده تجارتی ببندد برود
دولت المان میل دارد پسند مراکش مجلس بین المللی رجوع شود
در همین ایام میان علی‌حضرت سلطان مراکش مدعی او جنگی اتفاق افتاده و گویان
سلطان شکست خورده بعد عساکر فرانس که در سرحد بودند بکشتن سلطان آمده
مدعی را مغلوب کردند
هم‌درین اوقات در حوالی پاریس انباری از ملبوس نظامی و بعضی فشنگ دیده شد
کمان بواخواهان خانواده پلویون بوده گویند قصد دارند رئیس جمهوری و وزرای او را
بگیرند و دولت جمهوری را براندازند این واقعه خیلی امانی را برآورد و در پیگیرند
امریکاییان مصمم شده اند ترس عینی کمال با ما را فرار شروع کنند و درین کار
دو هزار کارگر چینی و دو هزار کارگر آلمانی بکار وادارند
هم‌درین روز نامتک پادشاه حبشه نمایندگان دول را احضار کرده گفته است
باید در باب ساختن راه آهن افریقا قراری بگذارید که با استقلال حبشه ضرری
وارد نیاید و راه آهن هم بین مللی باشد و الا خودم راه را خواهم ساخت
این اواخر از اقتصادشنان داخله و پس حرفی میزنند همانا هیچ‌یک از آنها فعلاً
آرام گرفته فقط چیزی که مذکور شده این است که جمع کثیری از تمام فضلاء قان
دان و پس در پترزبورگ جمع شده و مجلس کرده گفته اند باید خیال اصلاحات
منتشر نمود و بدو خواست تربیت رعایا پرداخت و حکومت مشروطه عینی
خواست در موقع انعقاد مجلس مذکور مجلس خواست جمعیت را متفرق کند

اما نتوانست بعد حکم شد تمام اشخاصی که در آن مجلس جمع شده اند پس بطرز
بیرون روند و الا نقی بلد خواهند شد
مذکور شد که حاکم جدید کل قفقاز نمایندگان تمام طبقات رعایای آن مملکت را
جمع کرده و از اصلاحات عادلانه و حکومت منصفانه سخن گفته و مردم را امیدوار
نموده از جمله وعده داده که بعضی خالصات سلطنت را با بین رعایا قیمت کند و اصلاح
منتشر ساخته که علی‌حضرت امپراطور فرموده اند مسئله املاک کلیسای ارمن را باز دیده
بموجب اخبار آخری از ترس تجدید شورش بطرز بزرگ فراق جدید بان شورش
و ساخولی پای تخت را از یاد میکنند حال حاله این است اما در اواخر
مارس اگر نقاط روسیه شورش بود شهرها و دما ت هتاز شوریده تا اینجا
که گفتند که چهار بقعه حکومت روس از گردن انداخته و استقلال خود
اعلان نموده اما این حرف دنبال پیدا نکرد مردم فلان هم با شورش
حکومت مشروطه میخواستند در آنکه مملکت روسیه هم کمتر بروسای ملی
مارجک انداخته آنها را مجروح نمودند جمیع شورش عیدیه نیز که مارجک
و سایر آلات انفجاری داشته کشف شده در بعضی نقطه پلین و عا
بجمله مارجک کتابچه های شورش و روز و فشنک یافته و بسیاری را دستگیر
کرده در بیان که بندری است از شبه جزیره قرم در جنوب روسیه
بزرگی شده و کالین را چاییده و آتش زده و قراولان را خراب و رئیس پلیس را
مجرور خسته و مجوسین را آزاد نموده میخواستند فرانسه حکومتی را بهم فارت
کنند اما نتوانستند و آخر الامر کشتیهای جنگی و قوه عسکری مجده نظام را عاده
چندی پیش گفتند در قصر علی‌حضرت امپراطور در موقع پذیرائی صاحب منصبان

۱۷۷۹

اور از میان بردارند و یکشنبه و شنبه و یکشنبه از شمن نزدیک است شارالیه چند نفر با خود داشته و بزرگان
بومیان امریکایش رفت و شبانه دخل بکل شد فرانسویان اول و در دهنه در ظاهر شدند و کار بکل کشید صاحب منصب فرانسه باه نفس از بزم انانیش گشته شد و باقی قرار کرد
بعضی از آنها نیز بر تلمیم پیش نهاد و این اول جنگی بود که و شش تن در آن داخل شد نخستین مجار به از کمر بسته زود خوردنای طولانی و با افتخار که پس از بیست و هفت
سال بگرفتن شهر نورک تون با نثار سید و شرح آن دفاع بیاید
در بهار سال بعد سرداری انگلیسی که برادک نام داشت و بر روی آمد و مأموریت او اینکه فرانسه را از دره اینوسیه من کند و شش تن عیب خاطر و صل جزو اما مادر
برادک شد چه کلان میکرد و سردار شارالیه در سنون جریه نهارتی مجال دارد و میخواست بر دست او بی چیزها منسه اگر در پیاموز دانا این مقصود و شش تن حاصل نشد
که اگر برادک در او پادشاه در دست مستوب شده اما تریب جنگ کردن با بومیان امریکایی را هیچ وجه نمیدانست چنانکه سر باز نای خود را با بل و شیو را از میان بکل

مردی بمسلمانان سرنگ قراق دیند و دستگیر کردند آن مرد و دنا بر
کوکچک همراه داشت الحاصل فعلا در روسیه خبری نیست
تیز از حوادث مکه که این اواخر حادث شده زلزله های عظیم است در
و سایر بلاد شمالی هندوستان که ابنه عظیمه را خراب کرده و جمعی را قتل
نموده و از خیلی وقت پیش نظیر این عاید نماید اتفاق نیفاده بود اینک
در بعضی اقطار برای مصیبت زوگان وجه عازمه جمع آوری میکنند این
بود روح اخبار زمان از یک ماه قبل الی الان

اما قایم جنگ رو پس و ژاپن چون مختصر و غیر مهم بود برای من و آیند
گذشتیم مگر خیزی از خبرهای بعد بر آن منسوخ شده شود
(اعلامات و واخانه میو مولیون)

میوه میون فیه انوی و واسا معروف که در خیابان لالزار تقریباً از
بروی مغازه کبودخانه دارد علامات فیل را با دانه تربیت فرساده است
یکی از دانه های بسیار خوب کرم سیمن است و آن مفتاح قشنگی و
زیبائی میباشد برای نگه داری و محافظت جلد یعنی پوست بدن
بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخلی نمودن پوست صورت
و دست مثل ندارد

تمام زمان نیز که مقید بظرافت پاکیزگی میباشند آن را استعمال
میکند کرم سیمن طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع جمل
و شقاق و ترکیدی دست را مینماید همچنین کرم سیمن بجهت تفت
و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودردی کرم سیمون گروی است بدون میموت بیا
 نرم و چسبان و غیر مرئی
 گرد سیمون لکلی است بدون میموت زیبا معطر و خوشبو و نتایج
 سفید و کرم سیمون را کامل میکند
 صابون کرم سیمون بسیار تمیز دهنی نظیر است پوست را
 سفید و نرم و براق میکند
 ایضا این صابون برای زینت آرایش اطفال بسیار تجویز شده است
 ششک متقوی دکتر دشام با کلا و پوست کنده و کلا و کلیه و فغات دوز
 برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً یکصد سال رسد قبل از هنار دوشام
 یک کیلا پس کوچک ازین دوا میخورند نسخه این دوا در همه جا معروف
 و جمیع اطباء دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عالم
 پوست کنده و کلا و برگ کلا و کلیه و فغات دوز فرا در بردارد و در دوز
 رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوا ی خوبی است
 این مواد عالم که اثر هر یک را جمیع اطباء تصدیق کرده با کمال دقت ساخته
 میشود و متقوی و مصلح و محرک اشتهاست و با شخاصی که مبتلا بضعف
 پیری میباشند یا از جنت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد
 و اسباب استحکام و مدد و بنیه آنها میگردد و چون قیمت دوا نسبت
 همه کس میسر است و بخرد و صرف کند
 قیمت یک بطری آن شش تومان و دوازده بطری آن تومان و محل فروش
 در طهران منصر است بدواخانه سیو مولیون در خیابان لاله زار

عجوب میداد حال آنکه دشمنان بی سرو صد از درختها میخیزند و صدایه نمیدانند تا آن ساعت که هفتاد و هشت ساعت نگهبانان سر در انگلیسی عیسی برادگان آرای عاقله اجدان جوان خردا
که او را بکنند باند هیچ نمیدانست بطور تحیر عتسار بر امانی و گفتار او فکر کرد و از این جهت بلبلیات یکشت از جلد روزی لشکریان برادگان از در دهن گنج بلا عجز کرد و بودند که تاگاه صدای
شلیک تفنگ بلند شد در صورتی که دشمن خود را نمی دانست چیزی گذشت که شلیک و بر بادانی گذاشت انگلیسهای متعجب که در چار و هشت از عده خط خویش بی آنکه
و همواره هدف گلوله و شلیان شده بخاک هلاک می افتادند آخر الامر بعد از سه ساعت نصف قشون برادگان براه عدم رفته خود را در نیننه زخم منگی برداشت و چون
جلیان بی صاحب منصب باندند با رسته نامی ایشان بپوشش و پنهان افکند مشار ایسه تمام آن روز را با مانت و شجاعی غریب جنگیده هر جا خطر زیاد تر
بود با بخا میشتافت و جلوفرا بر بار ایگرفت چون زد و خورد با تمام رسید با داره حکومت ویرانی نوشته گفت من سلامت از میدان قاتل بیرون آمدم
و زخمی خوردم اگر چه بانه نامی بن بواسطه جلد گلوله شود اخ شده و در پهلوسمب نیر پایم تر خورده از پا در آمد

بقیه در دفتر آتیه انشا الله